

بمناسبت پنجاهمین سالگرد درگذشت

ایوان فرانکو

شاعر و دموکرات بزرگ او کراینی

در میان رجال نامی فرهنگ که خود را وقف مبارزه برای زندگی نوین و پیشرفت و رهایی مردم کرده‌اند، ایوان فرانکو مقامی بس شامخ دارد. قریحهٔ درخشانش جنبه‌های متنوع و گوناگون داشته‌است. او شاعری توانا و نویسنده‌ای بزرگ بوده و گذشته از آن نمایشنامه‌مینوشته و از چندین زبان ترجمه می‌کرده، به نقد ادبی میپرداخته و در تمام رشته‌های علوم اجتماعی متبحر بوده است.

زندگی و خلاقیت طبع ایوان فرانکو از بسیاری جهات ماکسیم گورکی، پایه‌گذار ادبیات شوروی روسی را به یاد می‌آورد. هردو شان از میان مردم برخاسته و هر دو به بلندترین مقامات فرهنگی رسیده‌اند. فرانکو کار خود را به کار نانوا تشبیه می‌کرد که « برای مصرف هر روزه نان می‌پزد »، و میگفت که ملت از فرزندان خود که به پایگاه‌های بلند فرهنگی رسیده‌اند چنین انتظاری دارد.

ایوان فرانکو در تاریخ ۲۷ اوت سال ۱۸۵۶ در گالیسی در خانواده دهقان آهنگری پابرمه وجود نهاد. پس از پایان تحصیل در دبستان و دبیرستان، در سال ۱۸۷۵ وارد دانشکده فلسفه دانشگاه شهر لوفوف شد و در فعالیت « انجمن آتادمیک دانشجویان » که گرد مجله « دروک » (دوست) جمع شده بودند، شرکت جست. وی در سال ۱۸۷۶ عضو هیئت تحریریه آن مجله شده، آنرا بخط مشی دموکراتیک سوق داد.

فرانکو هنگامی وارد نهضت اجتماعی گردید که دانشوران گالیسی (که در آن زمان جزو امپراتوری اتریش - هنگری بود) به امتیازات نظام تحمیلی بیگانه وفادار و نسبت به منافع حیاتی مردم خود بی اعتنا بودند.

در سال ۱۸۷۷ فرانکو، که مجبور شده بود دانشگاه را ترک کند با فعالیت بیشتر و ازدندگی اجتماعی گردید. نامبرده بمدیریت روزنامه کارگری، که بزبان لهستانی چاپ میشد، انتخاب گردید. نخستین بار او شروع به ترجمه آثار پایه گذاران جامعه نوین بزبان اوکرائینی و اشاعه و انتشار آن آثار نمود.

و. بلینسکی، آ. گرتسن، ن. چرنیشفسکی، ن. دابریوبوف، دموکراتهای روس در ترکیب یافتن جهان بینی و خلاقیت طبع فرانکو تاثیر عظیمی داشتند.

وضع دشوار مالی بعدا فرانکو را مجبور کرد به دیه زادگاهش برود. در آنجا به کارهای کشاورزی اشتغال میوزید و در همان حال آثار خود را در مجله دموکراتیک شهر لووف بنام «میر» (جهان) و همچنین در سایر مطبوعات انتشار میداد.

در سال ۱۸۹۰ فرانکو در تشکیل حزب رادیکال اوکرائین شرکت مستقیم وجدی داشت و فعالیت آن حزب از سال ۱۸۹۰ بعد دارای جنبه ترقی خواهانه بود. نامبرده در مطبوعات ناشر افکار آن حزب بنام «نارود» (ملت) و «خلتباروب» (زراعت) شرکت و همکاری میکرد.

در سال ۱۸۹۳ فرانکو تحصیلات خود را در رشته تاریخ و فیلولوژی در دانشگاه وین پایان رساند و از دانشنامه دکتری خود در فلسفه دفاع کرد.

در سال ۱۸۹۴ فرانکو دیگر دارای آثار علمی متعددی بود که در خارج از حدود گالیسی هم شهرت داشتند.

در سال ۱۹۰۱ فرانکو بعصویت انجمن علمی پاریس انتخاب شد. در سال ۱۹۰۶ دانشگاه شهر خارکوف عنوان دکترای افتخاری ادبیات روسی را بنامبرده اعطانمود. برای اثر موسوم به «تحقیقات درباره آوازه های ملی اوکرائین» جایزه فرهنگستان علوم به فرانکو داده شد.

ایوان - فرانکو در ماه مه سال ۱۹۱۶ درگذشت و در شهر لووف بخاک سپرده شد.

اولین اشعار فرانکو در سال ۱۸۷۴ در مجله دانشجویان شهر لووف درج شده است. نخستین مجموعه اشعار فرانکو تحت عنوان «قصه های منظوم و حکایات» که در سال ۱۸۷۶ چاپ و منتشر گردید دارای جنبه رومانیتیک بود. در مجموعه ای که در سال ۱۸۸۷ انتشار یافت مقام اساسی راقطعات تغزلی - سیاسی دارا بود. این مجموعه موفقیت فوق العاده کسب کرد چه بویژه در آن قریحه توانا و درخشان و پخته فرانکو و نوآوری وی بعنوان استاد کلام بدیع ظاهر گردیده بود.

فرانکو اشکال و قالب‌های شاعرانه ادبی را با سبک آواز های ملی استادانه توأم میکرد و در هر موی آمیخت .

در مجموعه سوم فرانکو تحت عنوان « برگهای پژمرده » که در سال ۱۸۹۶ بطبع رسید تغزل عاشقانه دل‌انگیز و درام شخصی شاعر بطور ناکسستنی با مضمون رنج و عذاب ملت مربوط و پیوسته شده است .

در مجموعه چهارم هم ، که در سال ۱۸۹۸ انتشار یافت مجدداً مضامین و موضوع های سیاسی حدت و شدت مییابد .

در اشعار فرانکو تمثالیهای حقیقی و واقعی از زندگی دهقانان فقیر زیاد است . فرانکو با استفاده از تمثالیهای ادبیات کهن آثاری با مضامین فلسفی بوجود آورده است .

در سال ۱۹۰۶ مجموعه اشعار فرانکو تحت عنوان « آنکه همیشه آغاز میکند » منتشر گردید . از لحاظ غنای ازمائی و گوناگونی قدرت تمثالیها و اشکال و قالب‌های بدیع ، اشعار فرانکو بمنزله گام بزرگ دیگری در ترقی و تکامل ادبیات منظوم او کرائین محسوب میگردد .

فرانکو در نثر نویسی هم چنین نوآوری بود . فرانکو از بدو امر وظایف و تکالیف فوق العاده بنسبتی برای خویشتن قائل شد : مجسم نمودن زندگی مردم گالیسی در تمام قشرها و با تمام مظاهر آن . درباره کارگران نویسندگان دیگر هم قبل از او نوشته بودند ، لیکن طبقه کارگر را در ادبیات او کرائین فقط فرانکو بدرستی کشف کرد و شناساند .

نویسنده مزبور قهرمانان خود را از زندگی مردم گالیسی اقتباس میکرد ، ولی عمق نفوذ و بررسی در اخلاقیات و سجایای قهرمانها باو امکان داد تصویرهای نمونه و شاخصی در شرایط و احوال نمونه بیافریند که گذشته از او کرائین شامل تمام جهان میشود . فرانکو تر نظری بسیار مهمی بدین نحو طرح نمود : « ادبیات منظوم عبارت است از واقعیت تغلیظ و متمرکز و متبلور شده » . نویسنده این تر را گذشته از ادبیات منظوم در نثر نویسی هم عملی مینمود . به همین سبب در آثار فرانکو تصویر های کارگران و سرمایه داران هر دو بسیار قوی هستند . این موضوع در مجموعه وی تحت عنوان « بوریسلاو » بخوبی مشهود است .

نویسنده که خود دهقان زاده بود ، توجه زیادی به ترسیم و تجسم تضاد اجتماعی در دیده مینمود . جنبه های اجتماعی و اقتصادی زندگی در دیده ، ظلم و ستم ، درد و رنج و هر گونه بی عدالتی توجه او را جلب میکرد . دومین مضمون نثر نویسی فرانکو ، که عبارت است از بیدار شدن حس انسانی در مردمی که بنظر میرسد دیگر بکلی از دست رفته اند از همینجا سرچشمه میگیرد .

در بسیاری از حکایات و داستانها نویسنده زندگی قشرهای دیگر را نشان داده است ، از قبیل : پیشه وران ، روشنفکران ، بورژوازی . فرانکو بطرز وسیع از وسایل هجو و استهزاء در مبارزه علیه تمام نیرو های ارتجاع استفاده میکند .

نویسنده استاد ماهر تصویر روانشناسی بود. داستان «بورسلاو می‌خندد» جزو شاهکارهای این نوع آثار او است.

فرانکو حکایات زیادی بزندگی اطفال و دانش آموزان اختصاص داده روش ظالمانه کلیسایی - ژزوتیتی تعلیم و تربیت در مدارس گالیسی را افشا کرده تصویرهای درخشان از فرزندان دهقانان بوجود آورده است. فرانکو نمایشنامه‌هایی هم نوشته است که بهترین آنها عبارت است از: «سعادت ربوده شده» درباره زندگی دهقانان و «معنم» که تا به امروز هم نمایش داده میشود. درام افسانه‌ای منظوم «خواب امیراسویاتاسلاو» (سال ۱۸۹۵) حاکی از آرمان شاعرانه متحد کردن تمام سرزمین‌های روسی است.

فرانکو بقصد بالابردن سطح فرهنگ ملت خود به ترجمه آثار گرانبهای ادبیات جهان پرداخت و در قدم نخستین ادبیات اوکرائین را با بهترین نمونه‌های نظم و نثر اسلاو، از جمله منظومه «سخنی درباره لشکرکشی ایگور»، غنی کرد.

نویسنده، در کار ترجمه، وظیفه «آشنا کردن ملت اوکرائین با پیشرفتهای فرهنگی سایر ملتها» را در برابر خود قرار میداد و کوشش نمربخشش او در این راه، هم آثار کلاسیک عهد عتیق را شامل میشد، هم اشعار قدیم عربی، هم دانته و شکسپیر و هم شللی و بایرون و گوته و هوگو و هم آثار متسکه و بیچ و پوشکین و نکراسوف را در برمیگرفت.

فرانکو بدون خستگی به گردآوری و انتشار ادبیات شفاهی مردم (فولکور) میپرداخت و در حقیقت دانشمند فولکور است برجسته‌ای بشمار می‌آمد. گذشته از این، او محقق و منتقد ادبی شایسته‌ای بود و نوشته‌های او در این زمینه نشانه عمق فکر و وفاداری او به اصول میباشد.

فرانکو همچنین کتابی تألیف کرده است به نام «مجملی درباره تاریخ ادبیات اوکرائینی - روسی تا سال ۱۸۹۰» که در واقع شرح مفصل ادبیات اوکرائین است.

فرانکو همه عمر خود را وقف و صرف ملت اوکرائین و مبارزه آزادیخواهانه آن کرده و در همان حال نیز با کلام بدیع خود به همه ملتها خدمت نموده است، زیرا با کمک به توسعه و انتشار ادبیات ترقیخواهانه مسائل و وظایف آزادیخواهی را که در مقابل ملتها قرار داشته توضیح داده است.

ایوان فرانکو در سالهای آخر عمر چنان بیمار بوده که قادر نبوده است قلم بگیرد، لیکن با اینوصف از کار خودداری نمینموده است.

فرانکو باشور و گذشتا و فداکاری، همواره در آرزوی وحدت و یگانگی مردم بوده است. او با ایمان راسخ میگفته است: «در روی زمین دوستی تمام بین مردم حکمفرما خواهند شد». دعوت ملتها به دوستی و یگانگی - حماسه تمام فعالیت‌های اجتماعی و ادبی و اجتماعی سیاسی و علمی وی بوده است. و این تظاهر طبیعی بشر دوستی و علاقه و محبت

بی پایان اونسبت مردم است . فرانکو مسائل عصر و زمان را در مقابل ملت‌ها طرح مینموده ، مسئولیت آنها را دربارهٔ سرنوشت میهن و مقدرات قوم بطرزی عالی در مد نظر آنان قرار میداده است .

هنوز او جوانی بیست و دوساله بود که در ۱۸۷۸ چنین مینوشت : هدف ما خوشبختی مردم است .

عقل و خردمندی ، بدون اعتقاد به مقلدان مسخره ،

برادری استوار و جهانی

و کار و عشق آزاد است !

فرانکو وابستگی و پیوستگی متقابل ملتها و الفت و یگانگی تمام بشریت زحمتکش را بطرزی عمیق احساس مینمود . او خوب میفهمید : که آنچه بدست آمده ، آنچه یارنج و زحمت حاصل شده ، فقط برای قوم و ملت واحدی نیست ، بلکه برای تمام ملتها است . فرانکو چنین نوشته است : « در هر جا و همیشه من یک فکر و عزم راسخ داشتم ، که بشفقت ملت گرامی خودم و مدلهای بشردوستانه و ترقی خواهانه عمومی نوع بشر خدمت کنم . بنظرم من نسبت به این دو ستاره راهنمایم وفادار بوده‌ام و تازنده هستم وفادار خواهم بود ، عشق به میهن و خدمت در راه آمال آزادی‌طلبانه کلیه ملتها ، بعقیده فرانکو ، یکسان و بیک اندازه راه فعالیت هر میهن پرستی را معلوم و تعیین میکنند .

نه ، آنکه همه را یکسان دوست نمیدارد ،

مانند خورشید ، کوه‌ها و جنگله‌ها ،

هرگز مقدر نیست که تو را ،

ای اوگرائین گرامی ، دوست بدارد !

فرانکو آثار خود رانه تنها در صفحات مطبوعات اوگرائین انتشار میداد ، بلکه آفریده‌های ادبی و آثار اجتماعی سیاسی خود را بطری وسیع در مجلات و روزنامه‌های روسی و در مطبوعات ترقی خواه آلمان و لهستان و بلغارستان و چک و اسلواکی منتشر میکرد . رجال فرهنگی این کشورها در آثار فرانکو هماهنگی عمیق و همصدائی با ادبیات ملی خود را مشاهده میکردند و هنوز میکنند . یک مسئله ملی ممکن است بمنزله مقدمه‌ای برای وحدت و یگانگی عالی بین‌المللی تمام نوع بشر بشود و چنین هم میشود . و در واقع منظور اساسی فعالیت فرهنگی کثیرالجوانب فرانکو و هدفغائی او در همین مختصر خلاصه میشود . هر قدر هم که او بااطمینان و قدرت بیشتر وارد افق جهانی میشد ، بهمان اندازه بیشتر بعنوان شاعر ملی علو مقام مییافت . در اوج ترقی و تعالی خلاقیت طبع خود ، با اینکه او بنام معنی کلام شاعر ملی بود ، فرانکو بنام و از طرف تمام طوایف و اقوام و ملل عمل میکرد و میسرود :

من در اندیشه برادری آینده مردم همه بودم ،

من خواستار بودم که آنزمان زودتر فرا رسد .